

انتظارات ما از



داشته باشد.

اینک با توجه به آن چه بیان شد، انتظارات قرآنیان از برنامه درسی ملی و نکات قابل توجه در این امر، به شرح زیر ارائه می‌شود:

الف) تبیین دقیق هدف اصلی و اهداف جزئی آموزش قرآن: مهم‌ترین هدف آموزش قرآن تا پایان دوره‌ی متوسطه، دستیابی دانش‌آموزان به مهارت‌های پایه برای استفاده‌ی مستقیم و مستمر از قرآن کریم است. تبیین این هدف و دلایل ضرورت آن، به مقال دیگری نیاز دارد. فقط به چند نکته‌ی مهم اشاره می‌شود:

اول: منظور از مهارت‌های پایه، توانایی خواندن قرآن کریم، درک معنای عبارات و آیات پرکاربرد قرآن، آشنایی با روش‌های اولیه و ساده‌ی تدبر در آیات قرآن کریم و انس با قرآن کریم است منظور از انس، ایجاد عادت و رفتار نسبت به خواندن روزانه‌ی قرآن، همراه با درک معنا و تدبر در آیات خوانده شده در حد توان و امکان است.

دوم: قرآن در عین آن که کتابی عمیق است و بهره‌برداری از آن نیازمند کسب علوم و فنون تخصصی است، اما برای عموم مردم نیز به طور مستقیم قابل استفاده است. از این رو، باید آموزش قرآن چه از نظر ایجاد توانایی‌های اولیه و چه از نظر نگرش و تلقی، به آن‌جا منجر شود که آحاد دانش‌آموزان نسبت به این امر، آشنا، توانا و علاقه‌مند گردند.

چند سالی است که وزارت آموزش و پرورش اقدام به تولید دو سند مهم کرده است: اول، سند ملی آموزش و پرورش که متکفل تبیین فلسفه، کلیات، رویکرد، اهداف و اصول نظام آموزش و پرورش کشور است؛ دوم، برنامه‌ی درسی ملی که با در نظر گرفتن سند ملی آموزش و پرورش به عنوان یک سند بالادستی، به تبیین رویکرد، اهداف حوزه‌های اصلی یادگیری و نیز تعیین دوره‌های تحصیلی و سایر ارکان و اجزای اصلی خرده نظام‌های برنامه‌های درسی آموزش و پرورش می‌پردازد. خوشبختانه این دو سند تولید شده است و در مرحله‌ی تصویب قرار دارد.

هر چند قاعدتاً در تولید این اسناد، به جایگاه قرآن کریم در کلیه‌ی اجزای نظام تعلیم و تربیت توجه شده است و بنا به گفته مدیر تولید برنامه‌ی درسی ملی، آموزه‌ها و رهنمودهای قرآن و سنت مینا قرار گرفته است و می‌توان به بررسی آن پرداخت، اما در این نوشتار کوتاه، بیشتر به بیان نکاتی می‌پردازیم که شرایط و اقتضائات محیط اجرا - یعنی معلمان، مدیران، مدرسه، دانش‌آموزان و والدین - را به رعایت و اعمال آن‌ها ملزم می‌سازد. به عبارت دیگر، ممکن است تصمیمی به خودی خود صحیح و مفید باشد، اما شرایط اجرا آن را به ضد خود تبدیل کند. توجه به این موضوع در همه‌ی طرح ضروری است و طرحی حکیمانه و عالمانه محسوب می‌شود که توجه کافی را به شرایط اجرا



برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران
(طرح جامع تحول بنیادین برنامه های درسی تربیتی)

نگاشت سوم

دوره های طرح تولید برنامه درسی ملی
بهمن ماه ۱۳۸۸



برنامه‌ی درسی ملی

از پایه‌ها یا دوره‌های تحصیلی، در ضمن و ذیل دروس دیگر به آن پرداخت.

ج) ضرورت وجود درس خاص آموزش قرآن در همه‌ی دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی: کسب مهارت‌های پایه در استفاده‌ی مستقیم و مستمر از قرآن کریم در نظام و فرایند تعلیم و تربیت دینی، اولاً با هیچ آموزش دیگری قابل قیاس نیست و ثانیاً به عنوان تمثیل، جایگاه آموزش ریاضی را در مجموعه‌ی علوم به اصطلاح پایه دارد. کسانی که در رشته‌های گوناگون، تحصیل یا تحقیق می‌کند، اگر در علوم ریاضی متناسب با رشته و سطح علمی خود، ضعیف باشند، این ضعف در همه جا خود را نشان می‌دهد. چنین است در علوم و تربیت دینی. یعنی کسی که با قرآن مأنوس نیست و به تناسب سطح علمی خود، آموخته‌های خویش را به قرآن عرضه نمی‌کند، به همین میزان از هدایت الهی محروم است. از این رو، آنچه در آموزش خاص قرآن لازم است، باید در چارچوب درس و برنامه‌ی خاصی از دوره‌ی پیش‌دبستانی تا پایان متوسطه، به طور مستقل مورد توجه ویژه قرار گیرد. با توجه به شرایط اجرا که در ابتدای همین نوشتار به آن توجه شد، اگر به هر دلیلی به درس قرآن در داخل درس دیگری [تلفیقی یا ضمیمه‌ای] پرداخته شود، قطعاً این امر موجبات در حاشیه قرار گرفتن و ضعف دست‌یابی به اهداف خاص این درس را فراهم می‌آورد.

سوم: استفاده از قرآن کریم و انس با آن از دوران کودکی، نوجوانی و جوانی آغاز می‌شود و تا پایان عمر ادامه می‌یابد. جایگاه انس و بهره‌مندی مستمر و دائمی از قرآن کریم، در نظام تربیتی و هدایتی اسلام، مانند اهمیت نماز در امور عبادی است.

اهداف جزئی آموزش قرآن در پایه‌ها و دوره‌های تحصیلی، باید تابع هدف اصلی و کلی فوق باشد و به گونه‌ای تنظیم و تدوین شود که به طور طبیعی به دانش، مهارت، علاقه، عادت و رفتارهای فوق منجر شود.

ب) تفکیک موضوع آموزش قرآن کریم در کلیات و اجزای نظام تعلیم و تربیت: در سند ملی آموزش و پرورش و نیز برنامه‌ی درسی ملی، به نقش و جایگاه قرآن کریم در نظام تعلیم و تربیت توجه شده است. به این معنا که همه‌ی ارکان و اجزاء اعم از اهداف، رویکرد، اصول و روش‌ها، نه تنها در دروسی مانند تعلیم و تربیت دینی، آموزش قرآن، ادبیات فارسی و عربی، بلکه در همه‌ی دروس و برنامه‌های آموزشی، تعالیم و نگاه قرآن کریم به بخش‌های گوناگون هستی و انسان، باید حاکم، جاری و ساری باشد. این امر کاملاً صحیح و حق است، اما به این معنا نیست که چون این حاکمیت و جریان باید در همه جا وجود داشته باشد، دیگر به درس خاصی که متکفل آموزش مهارت‌های خاص قرآن است، نیازی نیست و یا می‌توان در برخی

